

ماهنامه علمی - تخصصی

مطالعات میان‌رشته‌ای

هنر و علوم انسانی

سال دوم، شماره پنجم، فروردین ۱۴۰۲

صص ۵۳-۷۲

تحلیل فیلم مستند جنگی «پاتک روز چهارم» از منظر زیباشناسی عکاسی

سمیه شاعری / دانشجوی کارشناسی ارشد عکاسی، دانشکده هنر، معماری و شهرسازی، موسسه آموزش اقبال لاهوری، مشهد، ایران.*
reyhanshareei@gmail.com

چکیده

فیلم مستند پاتک روز چهارم، دومین قسمت از مجموعه مستند روایت فتح است که در چهارمین روز عملیات والفجر ۸ در یکی از محورها که دشمن اقدام به پاتک (ضدحمله) می‌کند توسط مصطفی دالائی به‌عنوان کارگردان و فیلمبردار و سعید فراقی داریان به‌عنوان صدابردار و محمد اخوان به‌عنوان دستیار فیلمبردار گرفته می‌شود و توسط مرتضی آوینی تدوین و صداگذاری می‌شود. در این مقاله به صورت مختصر و مفید به تحلیل و بررسی چند عکس منتخب از صحنه‌های این فیلم با رویکرد زیبایی‌شناسی پرداخته می‌شود. روش تحقیق مبتنی بر شیوه توصیفی - تحلیلی بوده و گردآوری اطلاعات به‌صورت ترکیبی از شیوه کتابخانه‌ای و مصاحبه است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که اولاً در تمام جنگ‌های رخ داده در طول تاریخ، کمتر عکاس و فیلمبردار دیده شده که در حین عملیات و در محاصره دشمن که هر لحظه امکان کشته شدن یا اسارتشان می‌رفت، بتواند واقعیت‌های جنگ و زندگی رزمندگان ایرانی و مقابله با دشمن را به‌طور مستقیم به تصویر بکشد. دوم اینکه حضور گروه فیلمبرداری در این معرکه سبب شده تصاویر خاص از حالات و روحیات رزمندگان ایرانی در شرایط محاصره ضبط و ثبت شود که بی‌تردید برگی شفاف برای تاریخ کشور ایران است. سوم اینکه در خلال تهیه چنین عکس و فیلم‌هایی تعداد زیادی از عکاسان و اکیپ‌های فیلمبرداری مجروح شدند و یا به شهادت رسیدند و در این مجموعه دو تن از دستیاران فیلمبردار و نیز فیلمبردار دچار مجروحیت شدید شدند. به نظر می‌رسد ضبط و ثبت شفاف و دقیق این‌گونه فیلم‌ها و عکس‌های مستند بحران (جبهه و جنگ) و حالات خاص رزمندگان، می‌تواند برای محققانی مثل روان‌شناسان، جامعه‌شناسان و... بسیار قابل تامل و کاربردی باشد. با توجه به اتفاقات رخ داده برای فیلم‌سازان، مجموعه روایت فتح می‌تواند در راستای ساخت فیلم‌های جنگی، از این هنرمندان و اتفاقاتی که برایشان رخ داده است، مجموعه‌های تلویزیونی یا فیلم سینمایی بسازد، تا هم به نوعی از این هنرمندان یاد شود و هم مردم را با عکاسی و فیلمبرداری بحران و سینمای اشرافی آشنا سازند.

کلیدواژه‌ها: پاتک روز چهارم، زیباشناسی، مصطفی دالائی، جنگ ایران و عراق، روایت فتح.

Analysis of the War Documentary Film “Counterattack on the 4th Day” from the Point of View of Photographic Aesthetics

Somayeh Shareei / Master’s student in photography, Faculty of Art, Architecture and Urban Planning, Eqbal Lahoori Institute of Higher Education, Mashhad, Iran.*

reyhaneshareei@gmail.com

Abstract

The documentary film Counterattack on the 4th Day is the second part of the documentary series on Chronicles of Victory, which is on the fourth day of Operation Wal-Fajr 8 in one of the axes where the enemy conducts a Patak (counter-attack) by Mustafa Dalai as the director and cameraman, Saeed Faraghi Darian as the sound operator, and Mohammad Akhwan as the director. The assistant cameraman is filmed and staged and interpreted by Morteza Avini. In this article, a few pictures chosen from the scenes of this film are analyzed and analyzed in a brief and useful way with an aesthetic approach. The research method is based on the descriptive-analytical method and information gathering is a combination of the library and interview method. The results of this research show that, first of all, in all the wars that have occurred throughout history, few photographers and videographers have been seen who could capture the realities of war and the lives of Iranian warriors during operations and under the siege of the enemy, who could be killed or captured at any moment. Attract the enemy direct. Second, the presence of the film crew in this battle caused special images of the moods and modes of Iranian soldiers to be captured and recorded, which is undoubtedly a clear page for the history of Iran. Thirdly, during the preparation of such photos and videos, a large number of photographers and film crews were injured or martyred, and in this series, two of the cameraman’s assistants and the cameraman were seriously injured. It seems that the clear and accurate recording and recording of such documentary films and photos of the crisis (front and war) and the special status of the fighters can be very useful for researchers such as psychologists, sociologists, etc. Considering the events that have happened to the filmmakers, Chronicles of Victory collection can make a television series or a movie about these artists and the events that happened to them, to somehow remember these artists and the people. Familiarise yourself with crisis photography and filming and Ishraghi cinema.

Keywords: Counterattack on the 4th Day, aesthetics, Mustafa Dalai, Iran-Iraq war, Chronicles of Victory.

مقدمه

اگرچه در گذشته بیشتر بر روی حافظه تاریخی افراد ثبت رویدادها و حوادث تمرکز می‌شد، اما امروزه با ظهور هنرهای همچون هنر عکاسی که به واسطه کارآمدی بالا در ثبت دقیق حوادث و رویدادها از قابلیت و پتانسیل مناسبی برخوردار است، به عنوان یکی از منابع اصلی در تاریخ‌نگاری‌ها مدنظر قرار می‌گیرد. عکس به دلیل کارکرد مؤثرش در ثبت بی‌واسطه رویدادها و حوادث گوناگون، می‌تواند منبع سرشار و قابل‌اعتنایی در حوزه حافظه باشد (خونساری، براتی و جوادی، ۱۳۹۹). با توجه به اطلاعاتی که از عکس‌ها استخراج شده است و به دلیل گویایی بالایی که دارد، گاه به عنوان منبع اصلی روایت یک رویداد تاریخی و گاهی به صورت یک تأییدکننده بر برخی شواهد به دست آمده، از اهمیت بالایی در این رابطه برخوردار است.

با توجه به بررسی و مطالعات انجام شده در میان کتاب‌ها و مقالات فارسی معتبر در حوزه سینما و عکاسی مستند بحران و جنگ، پژوهش مستقلی که به تحلیل و بررسی زیبایی‌شناسی عکس‌های صحنه‌های فیلم پاتک روز چهارم بپردازد، یافت نشد. لذا تصمیم گرفتم در این مقاله به صورت مختصر و مفید به بررسی زیبایی‌شناسی چند عکس منتخب از صحنه‌های این فیلم مستند بپردازم. در این پژوهش، ابتدا توضیحی درباره زیبایی‌شناسی و عکاسی مستند بیان شده و سپس اطلاعاتی درباره جنگ ایران و عراق، عملیات والفجر ۸، مجموعه تلویزیونی روایت فتح و مطلب مختصری هم درباره محوریت فیلم مستند پاتک روز چهارم گفته شده است. در نهایت، به رخدادهای داستان فیلم مستند جنگی پاتک روز چهارم و علت نام‌گذاری این فیلم به روایت مصطفی دالائی کارگردان و فیلمبردار این فیلم پرداخته سپس در ادامه به توصیف و تفسیر عکس‌های منتخب از صحنه‌های این فیلم می‌پردازیم و در آخر، با ارزیابی توصیف‌ها و تحلیل‌ها، نتایج به دست آمده ذکر شده است.

روش پژوهش

این پژوهش به صورت کاربردی و براساس نظریه موریس وایتس، زیبایی‌شناس علاقه‌مند به نقد هنر به تحلیل و بررسی عکس‌هایی از صحنه‌های فیلم مستند پاتک روز چهارم از منظر زیبایی‌شناسی می‌پردازد. روش تحقیق مبتنی بر شیوه توصیفی-تحلیلی می‌باشد. گردآوری

اطلاعات ترکیبی از شیوه کتابخانه‌ای و مصاحبه با فیلمبردار و کارگردان فیلم مذکور و تحلیل محتوای آن به صورت کیفی است. روش نمونه‌گیری بر اساس مطالعه موردی روی فیلم مستند پاتک روز چهارم از مجموعه روایت فتح و گزینش غیر تصادفی عکس‌هایی از صحنه‌های فیلم می‌باشد.

پیشینه پژوهش

درباره پیشینه پژوهش مرتبط با موضوع این پژوهش، می‌توان به نمونه‌هایی با رویکردهای مناسب دیگری اشاره کرد که به نوعی با پژوهش حاضر مرتبط هستند.

کتاب فرهنگ فیلم‌های مستند سینمای ایران از آغاز تا سال ۱۳۷۵ از مهرابی (۱۳۷۵) که مشخصات فیلم، سازمان تهیه‌کننده برنامه، عوامل فیلم و خلاصه‌ای از نحوه مبارزه رزمندگان و پاتک عراقی‌ها در روز چهارم عملیات والفجر ۸ را بیان می‌کند. در فصلنامه سینمایی فارابی شماره ۷ از این فیلم مستند به عنوان نمونه فیلمی یاد می‌کند که به دور از هرگونه تظاهر و ریا گرفته شده و همچنین با پرهیز از شعارهای توخالی و بدون ریشه که همواره ارزش اعتقادی ماجرا را به مخاطب گوشزد می‌کند و این‌که چگونه فیلمبردار با حفظ ارزش‌ها و رعایت حق امانت و صداقت به روایت مشاهدات و وقایع می‌پردازد و در جایی دیگر نیز به عنوان نمونه فیلمی بیان می‌کند که فیلمبردار کار تصویربرداری، کارگردانی و مونتاژ سر صحنه را هم خودش با زیرکی و به ظرافت تمام انجام می‌دهد.

در کتاب جنگ در دل جنگ از انیس دوویکتو (۱۳۹۹) می‌کوشد تا با پژوهش در محتوای فیلم‌های مستند شهید مرتضی آوینی و فیلم‌های مستند روایت فتح و با نظر داشت شرایط ساخت آن‌ها از زمان تصویربرداری تا تفسیر بافاصله از رویداد، نشان دهد چگونه این فیلم‌ها منبعی گران‌بها برای مشارکت در تاریخ‌نگاری این جنگ و تاریخ جهانی سینمای جنگ محسوب می‌شوند.

در کتاب یک تجربه ماندگار به قلم سید مرتضی آوینی (۱۳۷۷)، شرح چگونگی ساخت مجموعه مستند تلویزیونی روایت فتح به نقل از مجله فیلم، فراهم آمده است. کتاب حاضر با عکس‌هایی از این شهید هنرمند و صحنه‌های جنگ همراه است. معرفی و یادمان مختصری از چند فیلم‌بردار، صدابردار و دستیاران فیلم‌بردار شهیدی که در جبهه‌ها به شهادت رسیدند، به همراه عکس آن‌ها، ضمیمه کتاب است.

در پاییز ۱۳۸۶ پایان نامه تحصیلی در مقطع کارشناسی ارشد با موضوع «بررسی زیبایی‌شناسی شکل در فیلم‌های مستند جنگی ایران با تاکید بر مجموعه مستند روایت فتح» توسط احمد ذات اصغر با بررسی، تعمق و کنکاش در فیلم‌های ساخته شده در طول جنگ تحمیلی به کالبدشکافی سبکی خاص از فیلم‌های مستند جنگی بنام «سینما حقیقت» یا «سینما وریته» پرداخته، سپس شاخصه‌ها و ویژگی‌های خاص این سبک از سینمای مستند را در مجموعه فیلم‌های مستند روایت فتح به عنوان مطالعه موردی تعمیم می‌دهد و به بررسی جنبه‌های زیبایی‌شناسی شکل این مجموعه مستند از لحاظ فیلمبرداری، صداپردازی، تدوین، موسیقی فیلم و... می‌پردازد.

زیبایی‌شناسی

«واژه زیبایی‌شناسی (aesthetics) به عنوان شاخه‌ای مستقل از علوم فلسفی، علی‌رغم دیگر واژه‌های تخصصی این حوزه که یافتن مبدا شکل‌گیری و تعیین تاریخچه برای آن‌ها دشوار است، اطلاعات نسبتاً دقیق و مشخصی در اختیار داریم. این اصطلاح با انتشار کتاب الکساندر باومگارتن (A. G. Baumgarten)، فیلسوف خردگرای آلمانی در سال ۱۷۵۰ م، به عنوان حوزه‌ای از مباحث مرتبط با «ادراک حسی» و به تعبیری، دانش حس شناختی معرفی شد (سوانه، ۱۳۹۳: ۱۷)». در دوره‌های اخیر، فیلسوفان تمایل دارند بر مفاهیم نظریه مدرن ادبی یعنی مفاهیمی مانند بازنمایی، بیان، شکل، سبک و احساسات تمرکز کنند. «موریس وایتس، زیبایی‌شناس علاقه مند به نقد هنر معتقد است که منتقدان وقتی نقد می‌نویسند، یک یا چند مورد از موارد چهارگانه زیر را مد نظر قرار می‌دهند: آن‌ها اثر هنری را توصیف، تفسیر و ارزیابی می‌کنند و درباره آن نظریه‌پردازی می‌کنند. بعضی از منتقدان اصولاً به نقد توصیفی می‌پردازند؛ عده‌ای دیگر توصیف می‌کنند، اما عمدتاً به عنوان وسیله‌ای برای پیشبرد تفسیرهایشان و تعدادی هم هر چهار مورد را به کار می‌بندند» (برت، ۱۳۹۵: ۳). «در مقوله‌های زیباشناختی، عکس‌های این دسته‌بندی چیزهایی را نشان می‌دهند که به اعتقاد عکاسانشان ارزش و شایستگی تامل و اندیشه‌گری زیبایی‌شناسانه را دارند. این تصاویر معمولاً درباره جنبه‌های شگفتی‌آفرین انواع مختلف صورت‌های بصری هستند و این‌که چگونه می‌توان آن‌ها را به صورت عکس بازنمایاند. برای اغلب مردم، این آشناترین نوع «عکاسی هنری» است. عکس‌های این دسته‌بندی معمولاً نشان‌دهنده چیزهایی زیبا هستند که به

گونه ای چشم‌نواز عکاسی شده اند» (همان: ۱۰۹).

عکاسی مستند

ادوارد وستون درباره عکاسی مستند می‌گوید: «به زحمت می‌توان دوربین را مجبور به دروغ گفتن کرد. دوربین اساساً مدیومی صادق است» (سانتاگ، ۱۳۹۰: ۲۰۳). عکس مستند نه تنها حاوی اطلاعات است، بلکه بیننده را از جنبه‌هایی از اجتماع که تجلی‌گاه حقیقت است، آگاه می‌سازد. عکس مستند مدرک یا گواه یک واقعه است (روتشتاین، ۱۳۶۹: ۱۱). رولان بارت درباره سرشت عکاسی می‌گوید: «تصویر عکاسی حاصل رخدادی در جهان است، گواهی است از گذر لحظه‌ای که پیشتر بوده و اکنون نیست، لحظه‌ای که ردی از آن رخداد را در عکس باقی گذاشته است. به موجب همین رد است که عکس را واجد ارتباطی خاص با امر واقع می‌داند» (عباسی اهوازی، ۱۳۹۲). یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد عکاسی مستند، توانایی آن در تاثیر نهادن بر افکار عمومی و روند رویدادها است.

جنگ ایران و عراق

جنگ ایران و عراق یا جنگ هشت‌ساله دفاع مقدس، طولانی‌ترین جنگ متعارف در قرن بیستم میلادی و دومین جنگ طولانی این قرن پس از جنگ ویتنام بود. جنگ در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ (۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰) با حمله عراق به ایران آغاز شد.

روایت فتح

روایت فتح نام یک مجموعه فیلم‌های مستند جنگ ایران و عراق است که به بررسی مستند اتفاقات جبهه و مصاحبه با رزمندگان ایرانی می‌پردازد. این مجموعه در همان دوران توسط گروه تلویزیونی جهاد ساخته و به‌طور مستمر از شبکه یک سیمای جمهوری اسلامی ایران پخش می‌شد.

عملیات والفجر ۸

عملیات والفجر ۸ یا نبرد اول فو، عملیات آبی خاکی تهاجمی نیروهای مسلح ایران، در خلال جنگ ایران و عراق بود، که به فرماندهی مشترک سپاه پاسداران و ارتش جمهوری

اسلامی ایران، در بهمن ماه ۱۳۶۴ به مدت ۷۵ روز انجام شد. در این عملیات، نیروهای سپاه و بسیج با پشتیبانی ارتش، با غافلگیری نیروهای عراقی، از اروندرود عبور کردند و شبه جزیره فاو در جنوب عراق را به اشغال خود درآوردند. عملیات والفجر ۸، در ساعت ۲۲:۱۰ روز ۲۰ بهمن ۱۳۶۴ در منطقه خسروآباد تا راس البیشه آغاز گردید و در تاریخ ۲۹ فروردین ۱۳۶۵ با پیروزی نیروهای ایرانی، به پایان رسید.

فیلم مستند پاتک روز چهارم

در چهارمین روز عملیات والفجر ۸، در یکی از محورها که دشمن اقدام به پاتک (ضدحمله) می‌کند، توسط مصطفی دالائی به‌عنوان کارگردان و فیلمبردار، سعید فراقی داریان به‌عنوان صدابردار و محمد اخوان به‌عنوان دستیار فیلمبردار گرفته می‌شود و بعداً در جهاد سازندگی تهران توسط مرتضی آوینی تدوین و صداگذاری و از شبکه یک سیما پخش می‌شود.

پاتک روز چهارم به روایت مصطفی دالائی

یکی دو هفته قبل از شروع عملیات من به‌عنوان کارگردان و فیلمبردار، سعید فراقی به‌عنوان صدابردار و مهدی همایونفر که مدیر گروه جهاد سازندگی بود با میرکیوان خلیل‌پور به‌عنوان دستیار فیلمبردار به منطقه اعزام شده بودیم. پس از گذشت یکی دو هفته، بالاخره شب عملیات شد. در اروندکنار بچه‌های رزمنده داخل قاب‌ها داشتند سوخت‌گیری می‌کردند و سلاح‌هایشان را آماده و مرتب می‌کردند، وضو می‌گرفتند و دعایی می‌خواندند، وصیت‌نامه و یا نامه‌ای برای خانواده‌هایشان می‌نوشتند. بعضی از آن‌ها در گوشه‌ای خلوت کرده بودند. هیچ‌کس نمی‌دانست چی می‌شود؟ آیا عملیات موفقیت‌آمیز است؟ آیا زنده می‌مانند و برمی‌گردند؟ یا مجروح، اسیر یا شهید می‌شوند؟

به خانه و حیاطی که خیلی وضع مرتبی نداشت و غواص‌ها آن‌جا بودند، رفتیم. بچه‌هایی که قرار بود پس از تاریک شدن هوا، عرض اروند که بین پانصد تا هزار متر بود را بدون سر و صدا و با سلاح‌هایی که زیر آب از کار نمی‌افتادند، شنا کنند و به عراق حمله کنند. فیلمبرداری از بچه‌های غواصی که مشغول راز و نیاز و اشک ریختن بودند را شروع کردیم. کنار اروند با چند تن از بچه‌های خراسان مصاحبه کردیم. معمولاً خود من از رزمنده‌ها سوال می‌کردم چون پشت لنز بودم، رزمنده موقع جواب دادن به من و در واقع به درون لنز نگاه می‌کرد، انگار

مخاطبش بیننده‌های تلویزیون و مردم ایران بود. حدود ساعت ده یا یازده شب عملیات شروع شده و آتش توپخانه و خمپاره‌ها و صدای مهیب انفجار همه‌جا را پر کرده بود و تقریباً هیچ‌جا دیده نمی‌شد. از داخل سنگری صدای مداحی و گریه می‌آمد. وقتی رفتیم آن‌جا، دیدیم بیشتر بچه‌های اهل سبزوارند که دارند از یکدیگر خداحافظی می‌کنند تا به خطی بروند که توسط غواصان شکسته شده بود. فیلم‌هایی که تا این‌جا گرفته بودیم در فیلم مستندی به نام شب عاشورایی جا گرفت.

صبح روز اول عملیات به سمت اروند رفتیم. جذر آب اروند باعث شده بود که آب چندین متر عقب رفته و باتلاقی از گل ایجاد شده بود و بچه‌های رزمنده برای اینکه بتوانند سوار قایق‌ها شوند، باید از این مسیر گلی عبور می‌کردند. با رضا فروزش مسئول جنگ جهاد سازندگی و تعدادی از رزمنده‌ها و همین‌طور از بچه‌های غواصی که برای استراحت برمی‌گشتند، مصاحبه کردیم. هم‌زمان هواپیماهای عراقی از بالای سر بچه‌ها، آن‌ها را بمباران می‌کردند و تعدادی از بچه‌ها نیز با ضد هوایی‌ها به هواپیماهای عراقی شلیک می‌کردند. بالاخره قایقی رسید و بچه‌های رزمنده و صابردار ما (سعید فراقی) شتابان سوار شدند و قایق‌ران بدون توجه به سوار شدن بقیه اکیپ فیلمبرداری، بلافاصله حرکت کرد و رفت. بعد از ده بیست دقیقه ما هم آن طرف اروند رفتیم، ولی نمی‌دانستیم سعید فراقی کجا پیاده شده است. بعد از چندین ساعت جست‌وجو من و آقای همایون‌نفر برگشتیم به سمت اولیه اروند و آن‌جا آقای فراقی را دیدیم که برگشته بود. خاطریم هست که آقای خلیل پور این‌جا با ما نبود.

روز دوم عملیات مواظب بودیم که بچه‌ها از هم جدا نمانند. این دفعه آقای خلیل پور همراه ما بود. رفتیم آن طرف اروند و پس از دو سه ساعت پیاده‌روی و فیلمبرداری از صحنه‌های جالب و پیشروی رزمندگان، با کلی خستگی به خط اول رسیدیم. نزدیک ظهر بود و به بچه‌ها گفتم شما این‌جا منتظر بمانید تا سراغ فرمانده خط بروم و کمی اطلاعات بگیرم. تقریباً پنج تا ده متر از بچه‌ها دور شده بودم که توپ یا خمپاره سنگینی در همان نقطه‌ای که بچه‌ها نشسته بودند به زمین خورد. من فوراً دوربین را روشن کردم و به سمت بچه‌ها دویدم. سر و صورت آقای خلیل پور خون‌آلود شده و چشمان و صورتش ورم کرده بود و آقای همایون‌نفر هم که به پاهایش ترکش خورده بود روی زمین افتاده بود. وضعیت آقای خلیل پور خیلی بغرنج و حساس به نظر می‌رسید و احتمال شهادتش را می‌دادم. چون آن‌جا امدادگری نبود پس من و سعید فراقی کار را رها کردیم و به‌غیر از دوربین فیلمبرداری، دستگاه ضبط صدا و فیلم‌های

گرفته شده، بقیه وسیله‌ها را آن‌جا گذاشتیم تا بتوانیم خلیل پور و همایونفر را نجات دهیم. برانکاردی آوردم و آقای خلیل پور را گذاشتیم روی آن. ساعت نزدیک دوازده بود بالاخره یک جیب پر از مجروح رسید و چون جا نداشت من خلیل پور را روی کاپوت ماشین نگه داشتم تا رسیدیم به بیمارستان صحرائی و بالاخره پس از طی مسیرهای سخت و طولانی با هلیکوپتری به اهواز رسیدیم و در نهایت، ایشان با یک هواپیمای پر از مجروح جهت مداوا به تهران فرستاده شد. به منطقه عملیاتی و پیش آقای فراقی برگشتم. روز سوم عملیات، آقای بخشی و دوستان دیگری را دیدم. به آقای بخشی گفتم می‌خواهم مجدد به خط مقدم برگردم و فیلم بگیرم، ولی دستیار ندارم که ایشون دستیار خودشان آقای محمد اخوان را پیشنهاد دادند.

روز چهارم عملیات، نزدیک اروند که رسیدیم، دیدیم بچه‌های رزمنده وسایل فیلمبرداریمان را آورده‌اند عقب و به ما تحویل دادند. لب اروند سمت عراق وانته بود که بسته‌های آب را بار می‌زد تا برای رزمنده‌ها ببرد، چون می‌دانست منطقه‌ای که می‌خواهد برود و آب ببرد بسیار خطرناک است با رفتن ما به آن‌جا مخالفت می‌کرد، ولی ما که در جریان شرایط و موقعیت آن‌جا نبودیم اصرار به رفتن داشتیم و بالاخره با اصرار زیاد ما را هم سوار کرد و به راه افتاد. در نهایت، رسیدیم به خاک‌ریزی که در وسط آسفالت ایجاد شده بود تا ماشین‌ها اشتباهی جلوتر و به سمت عراقی‌ها نروند. در یک‌جا چهار پنج نفر و در جای دیگر ده بیست نفر در حال مقابله با سربازان عراقی بودند و حدود بیست تا سی عدد تانک عراقی از روبرو به سمت ما در حال حرکت بودند. سمت راست و پشت سر هم تعدادی عراقی دیگر بودند. اگر به اختیار خودمان بود و می‌فهمیدیم که داریم کجا می‌رویم، دو دو تا چهارتا می‌کردیم و هرگز به این‌جا نمی‌آمدیم. ولی ناخواسته در مکان و موقعیت خیلی خطرناک قرار گرفته بودیم که اصلاً خطی تشکیل نشده و ثباتی نداشت و هر لحظه ممکن بود عراق آن‌جا را به تصرف خود درآورد. با خود گفتیم باید تردید و ترس را کنار بگذاریم، خدا خواسته ما این‌جا باشیم. بسم الله گفتیم و شروع به فیلمبرداری کردیم. به نظر می‌آمد به تعداد بچه‌هایی که آن‌جا بودند، به همان تعداد نیز تانک عراقی در مقابلشان بود که قصد داشتند منطقه را پس بگیرند. رزمندگان ما با موشک‌های آر پی جی و تفنگ و یه سری سلاح‌های سبک جلوی همین تانک‌ها را گرفته بودند. روحیه بچه‌ها خیلی عجیب بود در حین مصاحبه با ما بذله‌گویی می‌کردند و می‌خندیدند. با شوخی و خنده به ما می‌گفتند که «اگر خودتون طوریتون شد عیبی نداره ولی فیلمای ما را سالم برسونید که مردم و پدر مادرهای ما ببینند که ما این‌جا

چگونه داریم می‌جنگیم و دفاع می‌کنیم» و این واقعیتی بود انکارناپذیر. یه سری از این بچه‌ها برای این که تانک‌های عراقی را بزنند موشک‌های آر پی جی را توی یه گونی ریختند و رفتند پای تانک‌های عراقی که بهشون حمله کنند. معلوم بود که این‌ها دیگه بر نمی‌گردند، ولی آن‌ها این ریسک را پذیرفته بودند. سمت چپ یه خاک‌ریزی بود که ده بیست نفری بچه‌های خمین و اصفهان در آن جا به عراقی‌ها شلیک می‌کردند. دیده‌بان‌ها نیز به توپخانه‌ها گرا می‌دادند تا تانک‌ها را بمباران کنند.

خلاصه فیلم‌هایی که می‌خواستیم را گرفتیم، حالا باید به عقب برمی‌گشتیم. در حال جمع کردن وسایل بودیم که توپ یا خمپاره‌ای کنار ما به زمین خورد. تا آدمم بنشینم، دیدم انگار دست چپم مال خودم نیست، ترکش به بازو، کتف و پهلو من اصابت کرده بود. وسایل فیلمبرداری و ضبط صدا را به آقای اخوان سپردیم و من و فراقی هم ترک موتوری نشستیم و کمی عقب‌تر رفتیم تا به یک جیب پر مجروح برخوردیم. چون جا نداشت من کنار دست راننده نشستم. از درد به خودم می‌پیچیدم تا بالاخره پس از عبور از اروند و... به اهواز رسیدیم. با هواپیمایی پر مجروح به بیمارستانی در شیراز و پس از مدتی به بیمارستان طالقانی تهران منتقل شدم. بعد که یه مقدار دستم خوب شد، سراغ بچه‌ها را گرفتم و خداروشکر همه بچه‌ها به تهران بازگشته بودند. فیلم‌های این چهار روز با عنوان پاتک روز چهارم توسط مرتضی آوینی تدوین و از شبکه یک پخش شد (شارعی، ۱۴۰۱).

توصیف و تفسیر عکس‌های منتخب از فیلم مستند جنگی پاتک روز چهارم



تصویر ۱: رزمندگان ایرانی در منطقه اروندکنار برای انتقال به فاو عراق

تصویر ۱ مربوط به رزمندگان ایرانی است

که در منطقه عملیاتی اروندکنار ایران می‌باشند. اروندرود یا شط العرب رود پهناوری در مرز ایران و عراق است، که از پیوستن رودهای دجله، فرات و سپس کارون پدید آمده است و در

جدول ۱: تصویر ۱، (نگارنده)

مشخصات تصویر ۱			
عکس از صحنه‌ای در دقیقه ۶:۰۲ مصطفی دالانی سعید فراقی داریان میرکیوان خلیل پور و مهدی همایون فر سید مرتضی آوینی ۱۳۶۵ از شبکه یک، برنامه روایت فتح	فریم کارگردان و فیلمبردار صدابردار دستیاران فیلمبردار تدوین و نریشن سال پخش	جنگ ایران و عراق (عملیات والفجر ۸) فیلم مستند جنگی «پاتک روز چهارم» منطقه عملیاتی فاو عراق - اروندکنار ۲۰ بهمن ۱۳۶۴ (روز اول عملیات والفجر ۸) دوربین فیلمبرداری ۱۶ م م رنگی ۵۰ دقیقه	موضوع عنوان فیلم مکان تاریخ نوع دوربین مدت فیلم (دقیقه)

نهایت به خلیج فارس منتهی می‌گردد. عرض اروند رود بین ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ متر و عمق آن بین ۹ تا ۱۵ متر در نوسان است و گفته شده تا ۲۵ متر هم می‌رسد. آب رودخانه اروند که از دریا تأثیر می‌پذیرد، عمدتاً دارای دو حرکت جزر و مد می‌باشد. در بخشی از قسمت‌های منطقه، زمین آن بخاطر جزر آب رودخانه باتلاقی است. عرض منطقه باتلاقی آن در بعضی مناطق به ۴ کیلومتر می‌رسد.

دوربین‌های فیلمبرداری رایج آن زمان اکلاً ۱۶ مم فرانسوی بود (دوربین سازمانی و متداول صدا و سیما در آن زمان) که در جبهه‌ها بیشتر فیلمبرداران از آن استفاده می‌کردند. این دوربین‌ها به خاطر راحتی در استفاده و کیفیت تصویر نسبت به دیگر دوربین‌ها از محبوبیت بیشتری برخوردار بودند و توسط فیلم‌های نگاتیو ۱۰ دقیقه‌ای شرکت کداک تغذیه می‌شدند. فیلم‌ها نگاتیو و رنگی بودند و پس از فیلمبرداری باید به لابراتوارهای خاص سپرده می‌شدند تا ظاهر شوند و سپس یک کپی پزتیو از آن‌ها زده می‌شد تا قابل رویت و مونتاژ با دستگاه مویلا شود.

زاویه این تصویر همسطح صورت (eye level) است. خصوصیت این زاویه دید، نگاه انسانی عکاس به سوژه عکاسی است. مخاطب احساس می‌کند رزمندگان، انسان‌هایی معمولی همچون دیگر افراد جامعه هستند و در نتیجه، راحت‌تر می‌تواند با ایشان همذات‌پنداری نماید. عمق میدان تصویر نیز زیاد است؛ به طوری که علاوه بر رزمندگان و رودخانه اروند، جعبه‌های مهمات و اسلحه‌ها مشهود هستند. کمی از سر درختان نخل و باتلاق پشت سر رزمندگان نیز در پس زمینه تصویر دیده می‌شود.

این عکس که با نور طبیعی روز گرفته شده است حالتی واقع‌گرایانه و باورپذیر دارد. کنتراست بالای عکس، فضا را به سمتی تئاترگونه و حماسی سوق می‌دهد. در این تصویر، با توجه به کنتراست رنگی شدید و نورهای تابیده شده به پشت رزمندگان (از سمت شرق) و

سایه‌های به‌وجود آمده در چهره‌ها (از سمت غرب) می‌توان زمان را تشخیص داد که حدود ساعت ۷ تا ۸ صبح می‌باشد. در شرایط جنگی امکان استفاده از رفلکتور برای ملایم کردن سایه‌ها نیست. در نتیجه، تصاویر دارای کنتراست شدید هستند. سردی هوای زمستان از نوع پوشش و لباس گرم و کلاه بافتنی رزمندگان قابل مشاهده است و بر روی آن‌ها از لباس‌های بادگیر برای در امان ماندن از عوارض بعضی از بمب‌های شیمیایی استفاده می‌شد.

به‌خاطر جذر آب، حاشیه‌ها با تالاقی شده و رزمندگان باید از این گل و لای چسبناک عبور کرده تا خود را به لب آب رودخانه رسانده و سوار قایق‌ها شوند و تنها همین قایق‌ها هستند که وظیفه انتقال رزمندگان و مهمات را به آن سوی رودخانه یعنی شبه جزیره فاو واقع در جنوب عراق را دارند. از آن‌جا نیز مجروحان و شهدا را بدین سمت اروندکنار می‌آورند. عملیاتی که از شب قبل آغاز شده، موفقیت‌آمیز بوده و همین موضوع باعث شده تا رزمندگان با روحیه بهتری پا به میدان بگذارند، اما ابهامی هم در چهره‌ها پیداست و این ناشی از آن است که در آن طرف چه سرنوشتی در انتظارشان است؟ شهادت؟ مجروح شدن؟ اسارت یا پیروزی و برگشت؟

در این عکس، گروه‌های مختلف اجتماعی با سنین مختلف حضور دارند که به صورت نیروهای خود جوش مردمی و بسیجی به جبهه آمده و لباس رسمی جنگ را بر تن کرده‌اند. از چهره آن‌ها می‌توان حدس زد بیشتر آن‌ها از طبقه متوسط و پایین اجتماع هستند که از شهرها و روستاهایشان به میدان جنگ آمده‌اند. شاید عکس‌ها نتواند بگویند آن‌ها به چه دلیلی به جبهه آمده‌اند، اما اعتقادات مذهبی و اعتقاد به موضوعاتی مانند ایثار، شهادت، از خود گذشتن، آخرت گرایی و اعتقاد داشتن به پیروزی در هر صورت حتی در صورت شهادت، آن‌ها را در کنار یکدیگر همچون برادر قرار داده است.



نگاه بعضی از آن‌ها به دوربین است. شاید می‌خواهند تصویری از خودشان را برای آیندگان به یادگار بگذارند. موضوعی که برای آن‌ها جالب است وجود گروه فیلمبرداری است که در کنار

تصویر ۲: رزمنده تک تیرانداز ایرانی در منطقه اروندکنار برای انتقال به فاو عراق

آن‌ها برای رفتن به خط مقدم منتظر قایق هستند. قایق‌ها در حین انتقال رزمندگان و مهمات، متناوبا مورد حمله و بمباران‌های هوایی عراق قرار می‌گیرند. عراق در صدد است تا راه ارتباطی رزمندگان و تدارکات را با خط مقدم منطقه عملیاتی قطع کند.

جدول ۲: تصویر ۲، (نگارنده)

مشخصات تصویر ۲			
عکسی از صحنه‌ای در دقیقه ۸:۱۴	فریم	جنگ ایران و عراق (عملیات والفجر ۸)	موضوع
مصطفی دالائی	کارگردان و فیلمبردار	فیلم مستند جنگی «پاتک روز چهارم»	عنوان فیلم
سعید فراقی داریان	صدابردار	منطقه عملیاتی فاو عراق - اروندکنار	مکان
میرکیوان خلیل پور و مهدی همایون فر	دستیار فیلمبردار	۲۰ بهمن ۱۳۶۴ (روز اول عملیات والفجر ۸)	تاریخ
سید مرتضی آوینی	تدوین و نریشن	دوربین فیلمبرداری ۱۶م م رنگی	نوع دوربین
۱۳۶۵ از شبکه یک، برنامه روایت فتح	سال پخش	۵۰ دقیقه	مدت فیلم (دقیقه)

تصویر ۲ از نور طبیعی روز بهره گرفته است. کنتراست شدید در سایه‌ها و نور نشان‌دهنده ساعت حدود ۷ تا ۸ صبح می‌باشد. زاویه این عکس همسطح صورت است. شخصی که بیشترین فضای دوربین را به خود اختصاص داده و پشتش به دوربین است برخلاف بقیه رزمندگان که لباس بادگیر بر تن دارند، لباس و کلاهی از پوست طبیعی انتخاب کرده و یک قبضه سلاح سیمینوف به دوش دارد و ظاهرا یک دست خود را در عملیات‌های قبلی از دست داده است. البته این نوع ایثار و فداکاری در بعضی افراد دیده می‌شد که با توجه به جراحتهای حاد و از دست دادن قسمتی از بدن باز هم مشتاقانه به جبهه می‌آمدند. هر چند مثل سابق نمی‌توانستند در خط مقدم حضور داشته باشند، اما به‌عنوان خادمانی بی‌ادعا در پشت جبهه در قسمت تدارکات به فعالیت خود ادامه می‌دادند، اما این تک تیرانداز به‌خاطر توانایی و قابلیت خاصی که دارد به لب اروند آمده تا با یکی از قایق‌ها به خط مقدم منطقه عملیاتی فاو عراق رفته و مشغول به کار شود. این شخص کاملا منحصر به فرد است و در تمام طول جبهه و جنگ مانند آن دیده نشده است. دوربین نصب شده روی تفنگش نشان‌دهنده این است که آن شخص کارش تک تیراندازی است و باید در نقطه‌ای خاص با آرامش نشسته و با توجه به برد و دقت اسلحه، دشمن را از راه دور رصد کند و در شرایط مناسب پیشانی و سینه دشمن را مورد هدف گلوله قرار داده و از پای درآورد.

همانند این تک تیرانداز، بقیه افراد نیز پشت به دوربین و حواسشان به قایق‌هایی می‌باشد که آن‌ها را باید به منطقه عملیاتی منتقل می‌کند. تنها یک نفر از آن جمع است که صورتش به سمت دوربین است و شاید بهتر باشد بگوییم نگاهش به سمت همین تک تیرانداز می‌باشد.

دو نفر بیسیم چی هم در تصویر دیده می‌شود که نقش بسیار مهمی در جبهه دارند و باید اطلاعات و فرامین را هر لحظه به اطلاع نیروها برسانند. سرک کشیدن بی‌سیم‌چی‌ها نشان از انتظار آن‌ها برای رسیدن قایق‌هاست. شخصی که جلیقه نجات بر تن دارد احتمالاً جزو قایق‌ران‌هاست. همه افراد به دو دلیل لباس بادگیر پوشیده‌اند، اول این که برای محافظت از پوستشان در برابر بمب‌های شیمیایی عامل پوست و دوم به خاطر جلوگیری از سردی هوای زمستان. هیچ یک از افراد حاضر در آن جا کلاه ایمنی ندارد و این برای آن‌ها بسیار خطرناک هست چون هر لحظه ممکن است مورد اصابت گلوله و ترکش دشمن قرار گرفته و کشته شوند.



تصویر ۳: رزمندگان ایرانی که مرکز توجه‌شان به تانک غنیمت گرفته شده است و دستیار فیلمبردار هم در حال انجام کاری است

جدول ۳: تصویر ۳، (نگارنده)

مشخصات تصویر ۳			
عکسی از صحنه‌ای در دقیقه ۱۶:۴۵ مصطفی دالانی سعید فراقی داربان محمد اخوان سید مرتضی آوینی ۱۳۶۵ از شبکه یک، برنامه روایت فتح	فریم کارگردان و فیلمبردار صدابردار دستیار فیلمبردار تدوین و نریشن سال پخش	جنگ ایران و عراق (عملیات والفجر ۸) فیلم مستند جنگی «پانک روز چهارم» منطقه عملیاتی فاو عراق ۲۳ بهمن ۱۳۶۴ (روز چهارم عملیات) دوربین فیلمبرداری ۱۶مم رنگی ۵۰ دقیقه	موضوع عنوان فیلم مکان تاریخ نوع دوربین مدت فیلم (دقیقه)

تصویر ۳ نشان‌دهنده ضد حمله نیروهای عراقی در منطقه عملیاتی فاو عراق است و زمان نزدیک ظهر می‌باشد. در این تصویر، چهار نفر دیده می‌شوند که سه نفر آن‌ها از نیروهای بسیجی اصفهان هستند و با توجه به این که در موقعیت خطرناکی قرار گرفته و هر لحظه در معرض آسیب دیدن سر توسط شلیک نیروهای عراقی هستند، هیچ‌یک کلاه ایمنی بر سر ندارند. نگاه و توجه‌شان به تانکی است که ساعاتی قبل توسط نیروهای ایرانی از نیروهای عراقی به غنیمت گرفته شده است. رزمندگان ایرانی تانک را به سمت خود عراقی‌ها هدایت کرده و هر از گاهی به سمتشان شلیک می‌کنند.

نفر چهارم که در پیش زمینه تصویر است، دستیار فیلمبردار آقای محمد اخوان است که در حال جا زدن کاست فیلم جدید است و در هر شرایطی باید فیلم‌های گرفته شده ۱۰ دقیقه‌ای را به‌وسیله کیسه تعویض با فیلم جدید جابه‌جا می‌کرد تا فیلمبردار بدون کاست نماند. هر چند دو تا سه کاست همیشه از قبل برای فیلمبردار آماده بود که یکی روی دوربین و یکی دست دستیار فیلمبردار و یکی دو تا هم اضافه که بتوانند در شرایط خاص حداقل ۳۰ الی ۴۰ دقیقه فیلم بگیرند. مسیری که فیلم از داخل کاست عبور می‌کند، باید مسیر درستی باشد و اگر چند فریم فیلم جابه‌جا شود، این کاست دیگر قابل استفاده برای فیلمبرداری نیست و به اصطلاح خود فیلمبردارها کاست سالاد می‌کند و تصاویر به درستی ضبط نمی‌شوند. گروه فیلمبرداری و رزمندگان جلوتر از خط مقدم آمده و در منطقه‌ای قرار گرفته‌اند که به غیر از نیروهای عراقی‌ها هستند، اما همچنان روحیه خود را حفظ کرده و چهره‌ای آرام دارند. آنان با فیلمبردار مصاحبه می‌کنند و از موفقیت‌آمیز بودن عملیات شب گذشته و نحوه عملکرد خود و دشمن سخن می‌گویند و گاهی هم شلیک تانک به غنیمت گرفته شده از عراقی‌ها در پشت سر باعث گسسته شدن رشته کلامشان می‌شود. آتشی که جلوی لوله تانک مشهود هست بعد از شلیک تانک به سمت عراقی‌ها ایجاد شده است.



تصویر ۴: رزمندگان ایرانی که در منطقه فاو عراق هستند با بذله‌گویی با فیلمبردار آرامش روحی خود را نشان می‌دهند

جدول ۴: تصویر ۴، (نگارنده)

مشخصات تصویر ۴			
موضوع	جنگ ایران و عراق (عملیات والفجر ۸)	فریم	عکسی از صحنه‌ای در دقیقه ۱۸:۰۱
عنوان فیلم	فیلم مستند جنگی «پاتک روز چهارم»	کارگردان و فیلمبردار	مصطفی دالائی
مکان	منطقه عملیاتی فاو عراق	صدابردار	سعید فراقی داریان
تاریخ	۲۳ بهمن ۱۳۶۴ (روز چهارم عملیات)	دستیار فیلمبردار	محمد اخوان
نوع دوربین	دوربین فیلمبرداری ۱۶مم رنگی	تدوین و نریشن	سید مرتضی آوینی
مدت فیلم (دقیقه)	۵۰ دقیقه	سال پخش	۱۳۶۵ از شبکه یک، برنامه روایت فتح

در تصویر ۴ دو رزمنده اهل اصفهان دیده می‌شود که بین بیست تا سی سال سن دارند و لباس بادگیر بر تن دارند و بدون کلاه ایمنی هستند. آن‌ها با چهره‌های خندان رو به دوربین نشسته‌اند و در حال خوردن کمپوت‌هایی هستند که ساعتی قبل به دستشان رسیده است. ساعت حدود ۱۱ تا ۱۲ ظهر روز چهارم عملیات والفجر ۸ است. این بچه‌ها نیروهای عمل کننده‌ای هستند که پس از غواصان خط‌شکن بلافاصله با قایق به منطقه عملیاتی فاو عراق آمده تا با ادامه حمله، کار غواصان را تکمیل کنند. این رزمندگان در محاصره دو یا سه طرفه نیروهای عراقی هستند و از روبه‌رو هم به شدت تحت شلیک‌ها و گلوله‌های ۲۰ الی ۳۰ عدد تانک عراقی‌ای هستند که به ردیف در حال پیش‌روی و بازپس‌گیری خاک عراق می‌باشند. در پس زمینه این تصویر، سمت راست گونی‌هایی دیده می‌شود که حاوی تنها سلاح دم دست رزمندگان برای حمله و دفاع می‌باشد. این سلاح‌ها موشک‌های دوش‌انداز و انفرادی ضد تانک هستند که مخصوص شلیک به تانک‌های دشمن از فاصله نزدیک برای معدوم ساختن آن‌هاست. این موشک‌ها چون قدرت و برد زیادی ندارند، باید از فاصله نزدیک به تانک شلیک کنند. در سمت چپ پس زمینه نیز در دو قسمت دودهایی به آسمان می‌رود که نشان‌دهنده انفجار توپ‌ها و خمپاره‌ها است که بر زمین می‌خورد و منفجر می‌شود.

خنده این دو جوان بادگیر پوش که از عمق جانشان است، لحظاتی تو را از واقعیت هولناک پیرامونت رها می‌کند و با خود به دنیای گرم و صمیمی وجودشان می‌برد. انگار دنیا و همه مصایب آن را به هیچ گرفته‌اند. منطقه خطرناکی که این رزمندگان در آن جا مستقر بودند در هر لحظه امکان جراحت و شهادت یا اسارت وجود داشت، با این فرض باز هم لبشان خندان بود و حس شوخ‌طبعی و بذله‌گویی‌شان گل کرده بود. آنان به فیلمبردار می‌گفتند: اگر خودتون طوری‌تون شد و آسیب دیدید، عیبی نداره، ولی فیلم‌ها را سالم برگردونید تا مردم و پدر مادرهای ما ببینند که ما در این جا چگونه داریم می‌جنگیم و دفاع می‌کنیم. و این واقعیتی بود واضح و انکارناپذیر.

این جوانان که در مرز مشترک ایران و عراق از شمال غربی تا جنوب غربی ایران در حال دفاع و جنگ با عراق بودند، اکثراً مردمانی بودند پاک نهاد که از جای جای نقاط ایران از شهر و روستا آمده بودند و اگر فیلم‌ها و عکس این عکاسان و فیلمبرداران نبود، شاید هیچ‌کس آگاه نمی‌شد که فرزندان سرزمینمان در آن شرایط سخت چگونه در مقابل عراق ایستادگی کردند. افرادی به شدت گمنام و فراموش شده و این سرگذشت اکثر رزمندگانی بود که با جان و دل

در خط مرزی ایران و عراق برای حفظ میهن جنگیدند و متأسفانه عکس و فیلم زیادی هم راجع به این عزیزان در دست نیست.



تصویر ۵: رزمندگان ایرانی در منطقه فاو عراق که در حال عبور از محل انفجار می‌باشند

جدول ۵: تصویر ۵، (نگارنده)

مشخصات تصویر ۵			
عکسی از صحنه‌ای در دقیقه ۳۵:۳۴ مصطفی دالائی سعید فراقی داریان محمد اخوان سید مرتضی آوینی ۱۳۶۵ از شبکه یک، برنامه روایت فتح	فریم کارگردان و فیلمبردار صدابردار دستیار فیلمبردار تدوین و تریشن سال پخش	جنگ ایران و عراق (عملیات والفجر ۸) فیلم مستند جنگی «پاتک روز چهارم» منطقه عملیاتی فاو عراق ۲۳ بهمن ۱۳۶۴ (روز چهارم عملیات) دوربین فیلمبرداری ۱۶مم رنگی ۵۰ دقیقه	موضوع عنوان فیلم مکان تاریخ نوع دوربین مدت فیلم (دقیقه)

در تصویر ۵ سه رزمنده دیده می‌شوند که اسلحه به دست دارند. آن‌ها لباس‌های بادگیر برای محافظت پوست بدنشان در مقابل بمب‌های شیمیایی عامل پوست بر تن دارند. دو نفر کلاه ایمنی بر سر دارند و یکی از آن‌ها کلاه پشمی دارد که نشان دهنده هوای سرد زمستانی است. بچه‌ها در حال حرکت و عبور از مکانی هستند که در اثر اصابت توپ یا خمپاره‌ای به زمین، دچار گرد و غبار و دود ناشی از انفجار شده است. یکی از سه نفر که عقب تر است در گرد و غبار و دود انفجار محو شده و دو نفر دیگر که جلوتر آمده‌اند واضح‌تر دیده می‌شوند. پیش روی آن‌ها خاکریزی دیده می‌شود که نگاه و جهت حرکت رزمنده‌ها نیز به همان سمت است تا از محل انفجار دور شده و در محل امنی پناه بگیرند. این چند نفر پس از نجات جان خود، منتظرند ببینند بعد از فرو نشستن گرد و خاک و دود انفجار برای دیگر رزمندگان چه اتفاقی افتاده است؟ احتمالاً تعدادی از رزمندگان در آن محل و پشت خاکریز در اثر انفجار توپ یا خمپاره دچار مجروحیت شده یا به شهادت رسیده‌اند.

این افراد به همراه بیست الی سی نفر دیگر جزو کسانی بودند که این منطقه را در شب گذشته فتح کرده بودند و حالا مقابل تانک عراقی ایستادگی می‌کردند. این جوانان اهل خمین

و اصفهان و روستاهای اطراف آن‌جا بودند. از میان این سه تن تنها چهره یک نفر که نزدیک به دوربین می‌باشد تا حدی مشخص است نوجوانی در مرز جوانی با قدی بلند. در گام‌هایش غرور و اراده و شجاعت را می‌توان حس کرد وحشت و اضطرابی در اندامش بعد از آن انفجار دیده نمی‌شود، اما در دو تن دیگر که برخی از آن‌ها نمایان نیست، چنین نیست.

نتیجه

با توجه و دقت کردن در توصیف و تحلیل عکس‌های انتخابی از صحنه‌های فیلم مستند پاتک روز چهارم نتایج ذیل قابل حصول است:

۱. از آن جایی که فیلم و عکس مستند بحران (جنگی)، روایت‌گر واقعیت‌های جنگ و زندگی رزمندگان به‌طور مستقیم و بدون دست‌کاری است. در این تصاویر نیز حالات واقعی رزمندگان که در آن‌ها اثری از ترس و اضطراب و دست‌پاچه شدن نیست به تصویر کشیده شده است. در مصاحبه‌هایی که با آن‌ها صورت گرفته، آرامش و بذله‌گویی مشهود است، انگار در شهر خود، در پارکی زیر درختان نشسته و گرم‌گفت‌وگو با فیلمبردار هستند. چهره آفتاب سوخته‌شان نشان‌دهنده این است که جوانانی در سنین بین ۱۸ تا ۲۵ ساله و از اقشار مختلف هستند که از شهرها و روستاهایشان در جبهه حضور یافته‌اند. روابطشان با هم بسیار گرم و صمیمی است. لباس نظامی که بر تن دارند، تنها به عنوان نمادی از جنگ می‌باشد و تنوع در پوشیدن لباس‌های گرم و بی‌توجهی به گذاشتن کلاه ایمنی بر سرشان نیز نمایان‌گر یک ارتشی مردمی و غیرحرفه‌ای است.

۲. در تمام دوران جنگ ایران و عراق و دیگر جنگ‌های رخ داده در طول تاریخ بشر، کمتر عکاس و فیلمبرداری دیده شده که در حین عملیات و از سه طرف در محاصره دشمن که در هر لحظه امکان کشته شدن یا اسارتشان می‌رفت، حضور داشته باشد و بتواند با رزمندگان مصاحبه و از مقابله نیروهای خودی با نیروهای دشمن فیلم بگیرد. بیشتر تصاویر جنگی اعم از عکس یا فیلم، مربوط به قبل از شروع عملیات و در خطوط عقب‌تر یا پس از عملیات بوده است که از مجروهان و کشته شده‌ها، پیروزی‌ها، غنائیم به‌دست آمده و مناطق فتح‌شده گرفته‌اند. حضور گروه فیلمبرداری در این معرکه، سبب شده تصاویر خاص از حالات و روحیات رزمندگان ایرانی در شرایط محاصره ضبط و ثبت شود که بی‌تردید برگی شفاف برای تاریخ کشور ایران است.

۳. در خلال تهیه چنین عکس و فیلم‌هایی، تعداد زیادی از عکاسان و گروه‌های فیلمبرداری مجروح شدند و تعدادی به شهادت رسیدند. صدمات جانی در گروه فیلمبرداری این مجموعه نمونه‌ای بارز برای نشان دادن سختی‌های فیلمسازان مستند بحران است؛ برای به تصویر کشیدن واقعیت‌های جبهه و جنگ و حالات رزمندگان و ثبت در تاریخ ایران. در این مجموعه، در اولین روز عملیات در بدو ورود به منطقه فاو دو نفر از دستیاران فیلمبردار (آقایان مهدی همایونفر و میرکیوان خلیل پور) و در روز چهارم عملیات نیز فیلمبردار (مصطفی دالائی) دچار مجروحیت شدید شدند.

به نظر می‌رسد ضبط و ثبت شفاف و دقیق این‌گونه فیلم‌ها و عکس‌های مستند بحران (جبهه و جنگ) و حالات خاص رزمندگان می‌تواند برای محققانی مثل روان‌شناسان، جامعه‌شناسان و... بسیار قابل تامل و کاربردی باشد. با توجه به مسائل پشت پرده فیلم‌سازی مستند بحران، صدا و سیما می‌تواند در ساخت فیلم‌های جنگی از اتفاقات رخ داده برای گروه فیلمبرداری مجموعه روایت فتح، فیلم‌های جذاب و به‌یاد ماندنی بسازد تا هم به نوعی از این هنرمندان یاد شود و هم مردم را با عکاسی و فیلمبرداری بحران آشنا سازند.

منابع

- آوینی، سید مرتضی. (۱۳۷۷). یک تجربه ماندگار. تهران: روایت فتح.
- برت، تری. (۱۳۹۵). نقد عکس. ترجمه اسماعیل عباسی و کاوه میراسماعیلی. تهران: مرکز.
- خونساری، شهریار؛ براتی، ناصر و جوادی، شهره. (۱۳۹۹). عکس‌های غیر حرفه‌ای جنگ ایران و عراق به مثابه متن. باغ نظر. ۱۷ (۸۲). ۲۱-۳۲.
- رادی، مطهر. (۱۳۹۳). در باب زیبایی‌شناسی. نقد کتاب هنر. ۱ (۳ و ۴).
- دالائی، مصطفی. (۱۳۶۵). پاتک روز چهارم. روایت فتح. (نسخه تصویری).
- دو ویکتور، انیس. (۱۳۹۹). روایت جنگ در دل جنگ. ترجمه محمد مهدی شاکری. تهران: واحه.
- ذات اصغر، احمد. (۱۳۸۶). بررسی زیبایی‌شناسی شکل در فیلم‌های مستند جنگی ایران با تأکید بر مجموعه مستند روایت فتح. کارشناسی ارشد. دانشکده صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران.
- روتشتاین، آرتور. (۱۳۶۹). تاریخچه عکاسی مستند. ترجمه افشین شاهرودی. ادبستان فرهنگ و هنر. ۱۴.
- ساتاگ، سوزان. (۱۳۹۷). درباره عکاسی. ترجمه فرزانه طاهری. تهران: آبان.
- شارعی، سمیه. (۱۴۰۱). مصاحبه با مصطفی دالائی. (نسخه صوتی).

عباسی اهوازی، نازلی. (۱۳۹۲). بررسی جایگاه عکس در مطبوعات ایران. کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
مهرابی، مسعود. (۱۳۷۵). فرهنگ فیلم‌های مستند سینمای ایران از آغاز تا سال ۱۳۷۵. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.